

آب چشمه گیلان برای

سقاخانه حرم استفاده می‌شد

قنات دیگری منشأ گرفته از چشمه گیلان، از خارج شهر وارد مشهد می‌شد که بسیار پرآب بود. چشمه گیلان نزدیک به آرامگاه فردوسی قرار داشت. بخشی از این آب به نهر گناباد می‌رسید و از نهر گناباد به سمت ملک آباد می‌رفت. بخشی هم به سمت کارخانه قند می‌رسید و در آنجا، هفت تا هشت آسیاب آبی گندم را می‌چرخاند. سپس به سمت دروازه کوچان جاری می‌شد و در این بخش روی خیابان می‌آمد و به سمت حرم می‌رفت. به طوری که دوقاری به راحتی در هر دوسوی نهر حرکت می‌کردند. آب این نهر به سمت پایین خیابان می‌رفت و سپس به غسال خانه می‌رسید و بعد هم به قله محمدآباد و در آن جابرای کشاورزی استفاده می‌شد. از همین آب، آب انبارهای شهر هم پر می‌شدند. از جمله آب انباری در نزدیکی حرم که برای پرکردن آب سقاخانه از آن استفاده می‌کردند. آب‌ها را با استفاده از مشک پوست گوسفند به داخل سقاخانه منتقل می‌کردند. همچنین عده‌ای از این آب انبار، آب پر می‌کردند و دور سقاخانه می‌چرخیدند و می‌گفتند «نذری نذری» و آب را می‌فروختند.

آب قنات سرده برای آشامیدن

بعد از مدتی گاری و درشکه از روسیه وارد مشهد شد. در چهارراه پل خاکی، زمین بزرگ چند هزار متری قرار داشت که درشکه‌چی‌ها و گاری‌چی‌ها در این محدوده زندگی می‌کردند؛ جایی شبیه به کاروان سرا. بشکه‌ای را با چوب درست کرده بودند که آب آن از قنات سرده که سر چشمه‌اش پمپ بنزین سعدآباد بود، پر می‌شد. بشکه‌ها را روی گاری می‌گذاشتند و به در خانه‌های بردند و می‌فروختند. خانه‌هایی که راهشان به سر چشمه نزدیک‌تر بود کمتر هزینه پرداخت می‌کردند و آن‌ها که دورتر بودند، بیشتر.

یادی از سرمقنی شهرداری مشهد که در دهه بیست نخستین چاه‌های مشهد را حفر کرد و مسئول هفت قنات مهم شهر بود

اوستا یوسف

لیلا کوچک‌زاده - آقای خجسته‌پور حق دارد که اینقدر درباره پدرش «حاج یوسف» حساس باشد و دلش بخواهد که عکس قدیمی او را روی جلد نشریه بیاوریم و درخواست او را همین اول گزارش بنویسیم که روانیست خیابانی به نام سرمقنی زحمت‌کش مشهد نام‌گذاری نشود. حاج یوسف خجسته‌پور معروف به اوستا یوسف در دهه بیست تا پنجاه، به عنوان سرمقنی شهرداری و کارشناس رسمی دادگستری، رسیدگی، نگهداری و گسترش قنات‌ها و چاه‌های مشهد را که تنها سیستم آبرسانی در مشهد برای آب مصرفی و آبیاری زمین‌های کشاورزی بوده، به عهده داشته است. آن هم بدون تجهیزات امروزی و به گفته پسرش فقط با داشتن یک قطب‌نما. بارها و بارها آقای خجسته‌پور پسر در باره سختی کار پدرش می‌گوید که با نداشتن تجهیزات ده‌ها متر را می‌کنند و در زمین فرو می‌رفتند. به قول او اگر کسی امروز وارد آن قنات‌ها شود، می‌گوید این‌ها را اجنه‌کننده‌اند نه آدمیزاد. همچنین حاج یوسف در طی ۴۰ سال کار سخت و داشتن ده‌ها کارگر و بنا، یک نفر تلفات هم نداشته است. این هم از عجایب کار اوست.

بخش اول این گزارش درباره حاج یوسف است که در گفتگو با پسرش تهیه شده است و در آن علاوه بر آشنایی با این شخصیت، درباره شیوه آبرسانی در مشهد سال‌های ۱۳۲۰ تا زمان انقلاب خواهید خواند و درباره مسیر قنات‌های مشهد نیز خواهید دانست. بخش دوم گزارش نیز، درباره اقدامات تأثیرگذار خود آقای خجسته‌پور در بهسازی فضای کال‌نسترن است که راه پدر را به گونه‌ای دیگر ادامه داده است.

۱۱ رشته قنات در مشهد جاری بود

آقای خجسته‌پور به خوبی درباره سر چشمه و مسیر حرکت قنات‌های مشهد اطلاعات دارد. او حساب‌رس کارهای پدرش بوده است. بدین ترتیب هر آنچه در خاطر دارد برای ما تعریف می‌کند:

شهر مشهد در گودی قرار گرفته است. به طوری که ارتفاع آب‌های زیرزمینی از سطح شهر در سمت حرم مطهر در مقایسه با سمت وکیل آباد

نزدیک‌تر به سطح زمین است. در نتیجه آب قنات‌ها که از همان مرکز شهر سر چشمه می‌گرفت در نهایت به سمت وکیل آباد و قاسم آباد روان می‌شد. همچنین در مشهد، ۱۱ رشته قنات وجود داشت که هفت رشته آن در اختیار شهرداری بود و پدر من مسئول رسیدگی به امور آن‌ها و چهار تا هم مربوط به ارگان‌های دیگر مثل آستان قدس و مسجد گوهرشاد و خصوصی بود. آب این قنات‌ها نیز برای آب آشامیدن و آبیاری زمین‌های کشاورزی و ... استفاده می‌شد.

